



چاپ ششم

زنی عاشق در میان دوات غادة السمان

مجموعه شعر
انتخاب و ترجمه دکتر عبدالحسین فرزاد

www.30Book.com

غادة السمان در چند سطر

- تولد: ۱۹۴۲ دمشق، از پدر و مادر سوری
- پدر: مرحوم دکتر احمد سمان، وزیر آموزش و پرورش سوریه
- تحصیلات: لیسانس ادبیات انگلیسی از دانشگاه سوریه
- فوق لیسانس ادبیات انگلیسی از دانشگاه بیروت
- دکترای ادبیات انگلیسی از دانشگاه لندن

□ مشهورترین آثار

- چشمانت سرنوشت من است (مجموعه قصه). ۱۹۶۲
- به تو اعلان عشق می‌کنم. ۱۹۷۶
- کوچ بندرهای قدیمی (مجموعه قصه). ۱۹۷۳
- حب (عشق). ۱۹۷۳
- کابوس‌های بیروت (رمان). ۱۹۷۶
- شهادت می‌دهم برخلاف باد. ۱۹۸۷

- غمنامه‌ای برای یاسمن‌ها. ۱۹۹۶

- بیروت ۷۵. ۱۹۷۵

- زنی عاشق در میان دوات. ۱۹۹۵

- ابدیت یک لحظه عشق است. ۱۹۹۹

□ همکاری مداوم با مجله عربی الحوادث، به عنوان نویسنده
ستون مشهور «لحظات رهایی».

WWW.30BOOK.COM

یادداشت مترجم

آنچه پیش روی دارید سومین دفتر، از اشعار خانم غادة السمان است، که به فارسی منتشر می‌شود. دفتر نخست «دریند کردن رنگین کمان» نام دارد. چاپ نخست آن در سال ۱۳۶۸ و چاپ دوم در سال ۱۳۷۸ به کوشش نشر چشمه، منتشر گردید. دفتر دوم با نام «غمنامه‌ای برای یاسمن‌ها» در سال ۱۳۷۷ به همت نشر چشمه به شعر دوستان تقدیم شد.

اکنون دفتر سوم با نام «زنی عاشق در میان دوات» به خوانندگان هدیه می‌شود. اشعار این دفتر بیشتر از زنی دوشینگر و اهل قلم سخن می‌گوید که مشکلات خاص خودش را دارد. و عشق او به گونه‌ای ویژه با دیگران متفاوت است.



چندی پیش از خانم غادة السمان خواستم تا برای سومین دفتر شعرش که به فارسی ترجمه کرده‌ام مطلبی به عنوان مقدمه، برایم بفرستد. او نامه‌ای با عنوان «نامه عاشقانه به خواننده ایرانی» نوشت. ظاهراً با چاپ بخش‌هایی از این نامه در مجله الحوادث در صفحه ویژه خود او

با نام «لحظات رهایی» برخی از تنگ نظران آن سامان، همانند سامان گل و بلبل خودمان، با نقدهای لدنی و مغرضانه و فله‌ای، خاطر این شاعر و رمان‌نویس شگفت‌انگیز را آزرده ساختند.

در لحظاتی که این سطور را یادداشت می‌کنم، خلقم خیلی تنگ است زیرا شاعر جهان، احمد شاملو را از دست داده‌ایم. شاملو مهم‌ترین حادثه ادبی در قرن بیستم ایران است و آیدا بخشی عمده از تاریخ معاصر ایران گردیده است. وجود شاملو و شعر او همچنان دوران سلطه شعر را بر هر نوع هنری در این سامان اثبات می‌کرد. حافظ شیرازی و احمد شاملو آنچنان با افق‌های باز به جهان نگاه کردند که غیر از این دو نفر برایم دشوار است که شاعر دیگری را بپذیرم. زیرا شاعران دیگر هر کدام برای شاعر جهان بودن چیزی کم دارند.

تجسم این که دیگر شاملو در میان ما نیست، برایم سخت ناگوار است. من شعر تغزلی متعهد را با شاملو و نزار قبانی، تجربه کردم. با این تفاوت که شاملو را در بخش تعهد از قبانی برتر می‌دانم. حالا در این روزگار بدون شاملو، قبانی، مختاری، او کتاویوپاز، البیاتی، گلشیری و... چگونه باید زیست و سقله سالاری را تحمل کرد؟! چگونه ذره ذره آب شدن استاد بزرگ و جامعه‌شناس متعهد دکتر امیرحسین آریان‌پور را باید تحمل کرد. بیماری پارکینسون ایشان را از هر نوع فعالیتی بازداشته است:

شکسته دل تر از آن ساغر بلورینم

که در میانه خاراکن ز دست رها

عبدالحسین فرزاد

شهریور ۱۳۷۹ - تهران

غادة السمان

نامه عاشقانه به خواننده ایرانی

ما جایگاه کینه زهرآگین را ترک می‌گوییم. کینه‌ای که برخی از دشمندوستان نسبت به گزیده‌هایی از نامه عاشقانه‌ام که برای خوانندگان ایرانی اشعارم نوشته بودم ابراز کردند. این نامه را برای مقدمه ترجمه کتاب «زنی عاشق در میان دوات» نوشتم که قرار است به زودی در تهران منتشر شود. این نوشته را به دنبال درخواست استاد دکتر فرزاد برای مقدمه سومین کتابم که به فارسی ترجمه شده است برایشان فرستادم. دو سال پیش «غمنامه‌ای برای یاسمن‌ها» به وسیله نشر چشمه، منتشر شد. همچنین چند ماه پیش چاپ دوم نخستین کتابم با عنوان «در بند کردن رنگین کمان» به بازار آمد. همه این آثار با ترجمه این استاد و شاعر باریک اندیش است. او مرا به خواننده ایرانی شناساند و باعث شد تا از استقبال گرم ناقدان و خوانندگان آن سامان بهره‌مند گردم.

امیدوارم که این ترجمه‌های جدید آثارم، هیجان و حسادت را
برضد من بیشتر کند. والله المعین.

□□□

زخمم را می‌بافم

تار تار و پود پود،

چونان قالیچه اساطیری پارسی

و تعویدهای اشتیاق و طلسم‌های روزگاران زیبای گریخته را

بر آن مرور می‌کنم

آنگاه قالیچه زخمم به فرش باد بدل می‌شود...

که با آن

با یاسمن‌های شاهی

و دعای خیر یا تویم (زینب (ع)

و دریای بیروت که به کشتی‌های آزاد عشق می‌ورزد،

به سوی شما پرواز می‌کنم

به سوی شما پرواز می‌کنم

چونان پرندۀ سپید نوری

و غم‌هایم را به شما پیش‌کش می‌کنم:

شکوفه شکوفه.

یارانی که اینک این نوشته‌ها را می‌خوانید

یارانی که به شما عشق می‌ورزیدم اگر که می‌شناختم‌تان

یارانی که به شما عشق می‌ورزم بی‌آنکه بشناسم‌تان

چقدر ما به همدیگر مانده‌ایم!...

پس این خطوط مرا در دل‌های گرم‌تان جای دهید

و غم‌هایم را با روغن شفا بخش عشق، آغشته کنید...

کلمه، پنجره‌ای برگستره ارواح دیگر است
و من با کلمه به عصیان عمر خیام
عاشق شدم
و به حکمت زرتشت
واژ ملاحظه‌رای شیرازی آموختم
که جان، مسافر سرمنزل آن معشوق ازلی است
و من با افسون کلمه،

سپس مرگ
درخانه‌ها و چشم‌هایتان
خواهم زیست
روزگاری دراز...

و من بدین خاطر
وام‌دار شمایم

و وام‌دار سیطره کلمه

□ □ □

قصه‌ها و رمان‌هایم به سیزده زبان ترجمه شد، اما تنها در ایران، راز
پنهانم را کشف کردند و برای نخستین بار، ایرانیان بودند که اشعارم را
ترجمه کردند، زیرا که عاشقان، راز معشوقان را درمی‌یابند. و ایقاع
روح و نغمه بال‌هایشان را ادراک می‌کنند، چونانی که مرغ عشق، زمزمه
همسایه‌اش را در قفس می‌فهمد.

تنها در ایران، آن کودک را با زخم آشکارش پذیرا شدند، کودکی
که همواره، هزاران سال است که در ژرفاهای من، شیون می‌کند و پای
می‌فشرد بر این که از کاسه ریگ‌هایی بیرون آید که او را زنده به گور
کرده‌اند. و تا دوردست‌ها برفراز ریگستان‌ها به پرواز درآید. ای بار

ایرانی که سخنانم را می خوانی، زخمم را در آغوش گیر. زخمی که
آرزو داشتم آن را در ظلمت پنهان کنم.

اگر آه‌های حسرتناک میان مرگ و دیگر مردگان بی شمارم
نمی بود، من بر دریند کردن این زخم رازآلود، در غارهای روحم،
پای می فشردم و آن را می پوشاندم چونان که دیوانه را می پوشانند
تا فریادهای بیمارگونه اش را نشنوند.

آن دیوانه در دهلیزهای رازآلود در بند است. من خواهش های
او را برای پرواز به سوی مطلق و ناشناخته، فروپوشاندم، چونان که
بال‌ها در روزگاران وحشی و تاریک، ناتوان بود.

قلب دیوانه ام را به شما هدیه می کنم، این قلب عاری است: از
همه دردها، آوارگی ها، خانه به دوشی ها، درهم شکستن ها،
پروازها، شکست ها... و عشقش به وطن و آزادی، در یک لحظه و
آرزومندیش بر این که آزادی را از جام وطن، جرعه جرعه، بنوشد.

قلب تهی ام را به شما هدیه می کنم.
این قلب برهنه پای، براخگرها می رقصد، چونان قلب های
شما... پس بپذیریدش و با دل هاتان دمساز کنید...
من همواره عاشقی شگفت بوده ام با احوالی غریب و متناقض،
در غرب زندگی می کنم و دلم در شوق است!

پس آن چیست که شما را وا می دارد تا با یقین با روان من
در آمیزید در حالی که او شوق های رازآلودش را در تاریکی ها، به
سوی ناشناخته و ناممکن، می پراکند، چونان که شکر فیه های گریه
می گشایند؟

ای پارسیان!

www.cheshmeh.ir



شعر فیر قاری - ۱۸
شعر جهان
۱۱۰۰۰ تومان

ISBN-13: 978-964-5571-93-9



9 789645 571939

آنکه که در باره تو می نویسم
با پریشانی دلبران دواتم هستم
و باران گرمی که درونش فرو می بارد...
و می بینم که مرگب

به دریا می رود
و انکشتانم صد رنگین همان
و غم های به گمشدگان
و قلم به خاطر زینون
و کاغذم به فضا
و جسمم به ابر

خویشتن را در غیابت

از حضور آزار می کنم

و بیهوده با تبرم

بر سایه های تو بر دیوار عمرم

حمله می کنم

زیرا غیاب تو

خود

حضور است

چه بسا که برای اعتیاد من به تو

درمانی نباشد

به جز جرعه های بزرگی

از دیدار تو

در شریان من!

WWW.30BOOK.COM

30 BOOKS PUBLISHING HOUSE
www.30book.com
Tehran, Iran
978-964-5571-93-9